

بررسی و تحلیل نقش دولت در دگرگونی نظام توسعه منطقه‌ای ایران پس از دهه ۶۰ هـ.ش (با بهره‌گیری از تکنیک TOPSIS جهت رتبه‌بندی استانها)

شهرزاد وثوقی لنگ

دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رحیم سرور^۱

استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پروانه زیویار

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳

چکیده

دولت‌ها به عنوان عالی‌ترین مرجع قدرت و قانون‌گذاری از عوامل اصلی توسعه منطقه‌ای محسوب می‌گردند. سوابق تحقیق گویای عدم تعادل نظام منطقه‌ای کشور به عنوان مساله اصلی تحقیق از یک سو و نقش دولت به صورت عام و دولت‌های پس از انقلاب به صورت خاص در توسعه منطقه‌ای به عنوان متغیر اصلی از سوی دیگر حائز اهمیت است. روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات بصورت اسنادی است. در این مقاله از یک سو به تبیین ماهیت و سازوکارهای دولت در توسعه منطقه‌ای کشور پس از انقلاب پرداخته شده و از سوی دیگر با ۲۵ شاخص اقتصادی - زیربنایی و اجتماعی با استفاده از مدل تاپسیس و روش آنتروپی شانون به رتبه‌بندی استان‌های کشور در دهه‌های ۷۰ و ۹۰ هـ.ش اقدام شد. نتایج نشان می‌دهد با حفظ ماهیت دولت‌گرایی دهه اول انقلاب، علی‌رغم عدم تعادل شدید منطقه‌ای، به دلیل خط‌مشی نئوکلاسیکی برنامه اتخاذ شده تعدیل ساختاری، کمترین اقدامات توسعه منطقه‌ای در دوره دولت‌سازی صورت گرفت و اقدامات توسعه منطقه‌ای دولت دوره اصلاحات با تشدید دولت‌گرایی و تمرکزگرایی در دوره دولت‌نهم و دهم کم‌رنگ‌تر شد. از این رو ضرورت به تعادل‌کشاندن نظام نامتوازن منطقه‌ای ایران با افزایش بیش از ۳۱ برابری وزن توسعه استان اول (تهران) با استان آخر (کردستان)، نیازمند تحول در ساخت و کارکرد دولت مبتنی بر الگوی حکمروایی خوب (مهم‌ترین راهبرد) در سطح ملی و منطقه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: دولت، ایران، توسعه منطقه‌ای - TOPSIS

مقدمه

توسعه منطقه‌ای از ارکان توسعه ملی و محلی محسوب می‌گردد. آنچه توسعه منطقه‌ای را با چالش مواجه نموده است مساله توسعه نامتوازن می‌باشد. از عوامل اصلی توسعه نامتوازن، در کنار محدودیت‌های عملکرد بازار آزاد و بازده مقیاس رو به افزایش؛ نقش دولت در یک اقتصاد در حال صنعتی شدن می‌باشد (ریچاردسون و تارونارو، ۱۳۷۳: ۱۱-۱۲). این در حالی است که با توجه به وظایف دولت‌ها به ویژه تغییر در نظریه دولت و پیدایش دیدگاه‌های نوین توسعه، به نقش دولت در توسعه منطقه‌ای توجه فراوانی شده است. از این رو بررسی و تبیین نظام توسعه منطقه‌ای هر کشوری بدون توجه به نقش دولت نمی‌تواند شناخت واقع بینانه‌ای از مسائل منطقه‌ای ارائه دهد. تغییر در ساخت و کارکرد دولت پهلوی با افزایش فزاینده درآمد نفت و سرمایه‌گذاری دولت در اقتصاد به ویژه پس از برنامه سوم توسعه (۱۳۴۱-۴۶)، منجر به عدم توازن منطقه‌ای کشور گردید. ویژگی بارز اولین دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی عمدتاً دولت‌گرایی با مالکیت عمده بر منابع ملی بود (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۴۲). در این دهه توجه به مناطق توسعه نیافته از اولویت اساسی برخوردار گردید. میراث عدم تعادل منطقه‌ای به دلیل شرایط جنگ تحمیلی، فقدان برنامه‌های توسعه، افزایش و تحرکات جمعیتی و ... تداوم یافت. به گونه‌ای که مطالعات انجام شده در خصوص نظام منطقه‌ای ایران موید شکاف نابرابری بیش از ۱۰ درصدی و حاکمیت شدید الگوی مرکز - پیرامون دارد (کلانتری، ۱۳۷۷: ۱۲۶). پایان دهه ۶۰ هجری از دو نظر در دگرگونی نظام توسعه منطقه‌ای کشور حائز اهمیت است. اول: سیاست‌گذاری اقتصادی دولت مبتنی بر برنامه تعدیل ساختاری که با توجه به خواستگاه و تجربه بکارگیری این برنامه‌ها (تعدیل ساختاری) در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۹۰ میلادی که با عناوینی همچون دهه از دست رفته و دهه فاجعه مورد خطاب قرار گرفته است (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱۰). دوم: ویژگی‌های متفاوت دولت‌های پس از دهه ۶۰ هجری. از این رو نقش دولت در تحولات توسعه منطقه‌ای کشور چگونه قابل تبیین می‌باشد؟ آیا نقش دولت‌های پس از دهه ۶۰ هجری در توسعه نظام منطقه‌ای کشور یکنواخت بوده است؟ آیا نظام توسعه منطقه‌ای کشور در حال حاضر نسبت به گذشته متعادلتر است؟ این مقاله با هدف شناخت ساختی و کارکردی دولت پس از انقلاب و نقش آن بر نظام بخشی منطقه‌ای کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد. با شناخت سازوکارهای عمومی و نقش اقتصادی دولت در توسعه منطقه‌ای کشور به ویژه اقدامات دولت‌های پس از انقلاب، به رتبه بندی استان‌های کشور با استفاده از ۲۵ شاخص اقتصادی - زیربنایی و اجتماعی در دو مقطع زمانی دهه ۷۰ هجری و دهه کنونی پرداخته است. برای وزن دهی به شاخص‌های آماری استخراجی از روش آنتروپی شانون و برای رتبه بندی استان‌ها از تکنیک تصمیم‌گیری چند متغیره تاپسیس استفاده شد. نتایج مقایسه دو دوره زمانی با استفاده از نمودارها و نقشه‌های GIS جهت پاسخگویی به سئوالات در ارتباط با نقش دولت در تبیین نظام توسعه منطقه‌ای کشور را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

دولت‌ها به عنوان عالی‌ترین مرجع قدرت و قانون‌گذاری از عوامل اصلی توسعه به شمار می‌آیند. تا پیش از دهه شصت میلادی سیاست‌گذاری‌های توسعه معطوف به سطوح ملی و فراملی بود. پس از این دهه با افزایش روند

جهانی شدن، تغییر مباحث توسعه و به ویژه تغییر در نگرش به تئوری دولت، نقش و اهمیت توسعه منطقه‌ای افزایش یافت ((Pike & et al, 2006: 51). مفهوم توسعه در دهه‌های قبل مترادف با دوره دولت بزرگ، مترادف با رشد اقتصادی به کار گرفته می‌شد ((Smith, 2007: 65). استراتژی توسعه، رخنه از بالا به پایین و متمرکز بود (Fox & Brown, 1998: 36). افزایش یکباره قیمت نفت، کسری تراز پرداخت‌ها و ... در دهه ۷۰ میلادی موجب گردید تا نگرش از دولت حداکثر به دولت حداقل تغییر یابد. این دوره با تئوری‌های شکست دولت همراه شد. برنامه ویرایش شده برای کشورهای امریکای لاتین، به عنوان سند سیاست‌های تعدیل ساختاری مورد حمایت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول قرار گرفت. سیاست‌های بازار محور بر تقویت بخش خصوصی، آزاد سازی تجاری، مقررات زدایی، افزایش خصوصی سازی و کاهش اندازه و حجم بروکراسی دولت‌های بزرگ مرکزی مورد تاکید قرار گرفت (میرشجاعیان حسینی، ۱۳۹۰: ۲۳۱). در دهه ۸۰ میلادی جدال کارآمدی و ناکارآمدی دولت و بازار جنبه ایدئولوژیکی پیدا کرد و زمینه برای فروپاشی حکومت‌های دولت محور فراهم ساخت (دادگر، ۱۳۸۳: ۵۴۵). این دوره با زمینه نظری نئوکلاسیکی با تلقی مناطق به عنوان واحدهای بزرگ تولیدی، تعادل میان مناطق در اشتغال و درآمد را حاصل عملکرد ظریف بازار دانسته (ریچاردسون و تارونارو، ۱۳۷۳: ۱۷). که حرکت سرمایه، نیروی کار مهاجر و عامل برابرسازی قیمت‌ها از طریق مبادله، برابری بیشتر منطقه‌ای را توصیه می‌کند (ادل، ۱۳۸۰: ۶۸)، و توسعه ناموزون را به عنوان مرحله گذار به سوی تعادل نهایی قلمداد می‌کند (صرافی، ۱۳۷۷: ۲۳). در اواسط دهه ۱۹۹۰ نارضایتی نسبت به الگوی دولت حداقل شکل گرفت و سیاست‌های تعدیل اقتصادی مورد انتقاد گسترده اقتصاددانان نهادگرا قرار گرفت. آنان معتقدند که تعامل سازنده دولت - بازار می‌تواند راهگشای موفقیت فرایند اصلاحات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه باشد (می‌دری، ۱۳۸۴: ۲۸۳). در این دوره با نضج توسعه پایدار ارزش‌های منطقه‌ای و محلی از اهمیت ویژه‌ای در ارتباط با نقش دولت در نهاد سازی و رقابت پذیری منطقه‌ای برخوردار شد.

تأثیرپذیری نظام‌های سیاسی جهان سوم از الگوهای رشد متداول پس از جنگ جهانی دوم عمدتاً تحت تأثیر الگوی رشد رستویی با رشد اقتصاد ملی و ظهور عدم تعادل در نظام اقتصادی و اجتماعی منجر به عدم تعادل فضایی و منطقه‌ای این کشورها شد (رهنمایی و وثوقی لنگ، ۱۳۹۲: ۳۶). ویژگی خاصی از نظام سیاسی - اقتصادی کشورهای در حال توسعه، دولت رانته است. در نظام دولت رانته، تسلط دولت بر اقتصاد (واسط میان رانت و اقتصاد داخلی) منشاء بیرونی و مستقل داشته و ویژگی سیاستگذاری دولت تابعی از منبع درآمدی (نوسانات بازار جهانی) و ایدئولوژی هیات حاکمه است. از نظریه‌هایی که به ساخت و کارکرد دولت در نظام فضایی کشور پرداخته است نظریه دولت و شهرنشینی دکتر رهنمایی است. تبیین فرایند شهر و شهرنشینی ایران پس از انقلاب مشروطیت با دگرگونی منابع درآمدی دولت، میزان و جریان مازاد و گسترش نظام اداری و سیاسی جدید (رهنمایی، ۱۳۷۳: ۲۲-۲۳)، نظام منطقه‌ای کشور را از نظر ساختی و کارکردی به دولت وابسته‌تر نمود. این نظریه مبنایی برای تحقیقات بیشتر با نقش دولت و بخش عمومی در کشور گردید. رساله دکتری اکبری (۱۳۷۸) با عنوان "نظام شهرنشینی در ایلام"؛ وی با مطالعه نظام شهرنشینی ایلام و رد خصیصه‌های تعریف شده مبتنی بر نظریه سرمایه داری بهره‌وری، افزوده شدن ۱۴ نقطه جدید شهری در فاصله سالهای ۷۵-۱۳۳۵ و افزایش میزان شهرنشینی از ۷/۶ درصد به بیش از

۵۲ درصد را حاصل تصمیمات و سرمایه گذاری دولت قلمداد می‌کند. رساله دکتری روستایی (۱۳۷۷) با عنوان " عدم تعادل‌های فضایی کشور و ریشه یابی آن "؛ این تحقیق تمرکزهای موجود در فضای ملی و ناحیه‌ای را برآیند تمرکز کارکردی و تمرکز در بعد فضایی می‌داند. نابرابری‌های موجود را ناشی از نظام مدیریتی و سیاست‌های اجرایی آن تلقی می‌نماید. رساله دکتری ضیایی (۱۳۷۹) تحت عنوان " نقش دولت در شهر و شهرنشینی در ایران "؛ این تحقیق نظریه دولت و شهرنشینی را در قالب نظریه دولت‌های پیرامونی و رانتی به عنوان یکی از عناصر اصلی توسعه شهرنشینی در ایران مورد تاکید قرار می‌دهد. در این ارتباط هفت شاخص را شامل: الگوی درآمدی، هزینه‌ای، اشتغال، تقسیمات کشوری، شهرداری‌ها، گسترش پیکره و سیاست‌های اجرایی دولت را مورد تبیین و تحلیل قرار می‌دهد (ضیایی، ۱۳۷۹: ۳۷۰). رساله دکتری حسین میرشجاعیان حسینی (۱۳۹۰) با عنوان " ارزیابی نقش بخش عمومی در توسعه اقتصادی منطقه‌ای ایران " به این نتیجه رسیده است که رفتار بودجه ریزی استانی در ایران کارایی محور و نه برابری محور است. جهت تبیین پدیده رانت جویی در توزیع بودجه‌های استانی با استفاده از الگوی تحلیلی اقتصاد سنجی فضایی نشان می‌دهد که طرح‌های ملی توسعه منطقه‌ای که عمدتاً بر مبنای چانه زنی تعریف شده و شکل می‌یابند، قادر به رفع فقر و کاهش عدم توازن منطقه‌ای در ایران نبوده‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله از لحاظ هدف با توجه به نقش فرایندهای کارکردی و ساختی دولت در نظام بخشی منطقه‌ای از نوع تحقیقات کارکردی - توسعه‌ای و از حیث روش از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. داده‌های مورد نیاز از روش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی جمع آوری شده است. برای بررسی نظام منطقه‌ای کشور جهت شناخت تحولات و دگرگونی با استفاده از ۲۵ شاخص اقتصادی - زیربنایی و اجتماعی شامل شاخص‌های حساب‌های منطقه‌ای، شاخص‌های صنعتی و ... نسبت به رتبه بندی استان‌های کشور در مقاطع دهه‌های ۷۰ هـ ش و حال حاضر اقدام شد. برای تعیین ضریب اهمیت شاخص‌ها، از روش آنتروپی شانون و جهت رتبه بندی استان‌ها از مدل تاپسیس استفاده شده است. نتایج تحولات و دگرگونی فضایی با استفاده از نمودارها و نقشه‌های استخراجی با نرم افزارهای EXCEL و GIS در ارتباط با نقش دولت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱: شاخص‌های رتبه بندی استان‌های کشور با علائم و میانگین وزنی آنتروپی شانون در دهه ۷۰ و ۹۰ هـ ش

| ردیف | شاخص‌ها | میانگین وزنی آنتروپی شانون دهه ۷۰ و ۹۰ هـ ش |
|-----------------|--|--|
| X ₁ | نسبت شهرنشینی | 0/00225 |
| X ₂ | نرخ مشارکت اقتصادی | 0/00045 |
| X ₃ | نرخ باسوادی | 0/0002 |
| X ₄ | سرنانه ناخالص داخلی استان‌ها بدون نفت (هزار ریال) | 0/00825 |
| X ₅ | سرنانه ناخالص داخلی استان‌ها (هزار ریال) | 0/022 |
| X ₆ | نسبت ارزش افزوده بخش کشاورزی به کل ارزش افزوده بخش‌های استان | 0/0141 |
| X ₇ | نسبت ارزش افزوده بخش صنعت و معدن به کل ارزش افزوده بخش‌های استان | 0/0294 |
| X ₈ | نسبت ارزش افزوده بخش خدمات به کل ارزش افزوده بخش‌های استان | 0/0049 |
| X ₉ | نسبت شاغلان کارگاه‌های ۵۰ نفرکارکن و بیشتر استانی به کل کشور | 0/0818 |
| X ₁₀ | تعداد تخت بیمارستانی به هزار نفر جمعیت | 0/00625 |
| X ₁₁ | درصد اعتبارات تملک دارایی‌های هر استان به کل کشور | 0/02335 |
| X ₁₂ | نرخ بیکاری (منفی) | 0/00605 |

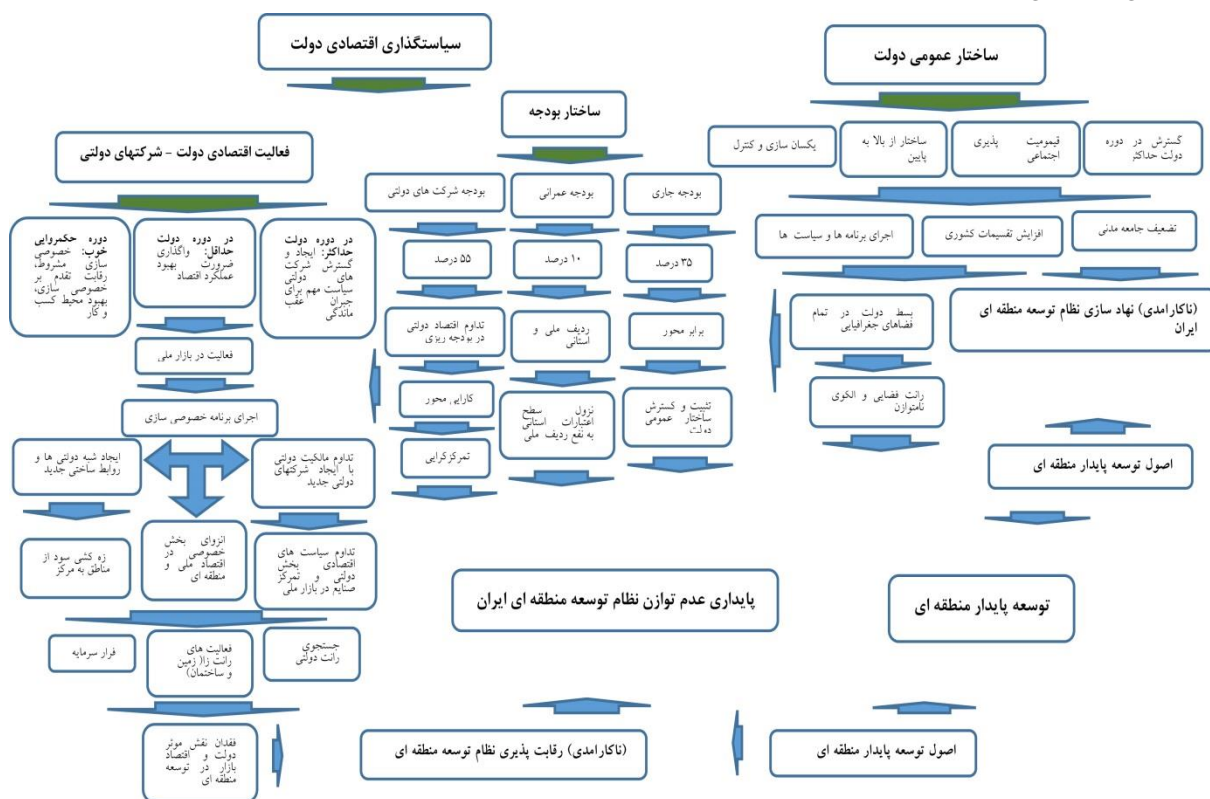
| | | |
|---------|-----------------|--|
| 0/00515 | X ₁₃ | تعداد پزشک به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت |
| 0/02465 | X ₁₄ | نسبت ارزش افزوده بخش کشاورزی به کل ارزش افزوده آن بخش در کشور |
| 0/1054 | X ₁₅ | نسبت ارزش افزوده بخش صنعت و معدن به کل ارزش افزوده آن بخش در کشور |
| 0/08195 | X ₁₆ | نسبت ارزش افزوده بخش خدمات به کل ارزش افزوده آن بخش در کشور |
| 0/11655 | X ₁₇ | نسبت شاغلان عمومی کارگاه‌های صنعتی بالای ۵۰ نفر کارکن و بیشتر استان به کل |
| 0/001 | X ₁₈ | نسبت وابستگی سنی (منفی) |
| 0/0619 | X ₁₉ | سهم استان از محصول ناخالص داخلی بدون نفت |
| 0/03625 | X ₂₀ | نسبت جمعیت استان به کل کشور |
| 0/0182 | X ₂₁ | نسبت سرانه تولید ناخالص (بدون نفت) به جمعیت استان |
| 0/07115 | X ₂₂ | نسبت ارزش افزوده بخش صنعت و معدن بدون نفت خام و گاز طبیعی استان به کل کشور |
| 0/07625 | X ₂₃ | درصد مالکیت عمومی در صنایع بالای ۵۰ نفر کارکن استان به کل کشور |
| 0/10635 | X ₂₄ | نسبت ارزش افزوده فعالیت صنعتی در کارگاه‌های صنعتی ۵۰ نفر کارکن و بیشتر استان به کل |
| 0/0962 | X ₂₅ | نسبت ارزش تولیدات در کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر استان به کل |
| 1 | | ∑ (جمع وزنی شاخص‌ها آنتروپی شانون) |

منابع: مرکز آمار ایران (سالنامه آماری)، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳. مرکز آمار ایران (نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰، ۵۰ و ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر) ۱۳۷۳ و ۱۳۹۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (گزیده آمار شاخص‌های مقایسه‌ای استانهای کشور) ۱۳۸۰. معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور (گزیده آمار و شاخص‌های مقایسه‌ای استان‌ها) ۱۳۸۸. [www.MPo-Zn.ir/Regional accounts. 2000-2014](http://www.MPo-Zn.ir/Regional%20accounts.%202000-2014).

یافته‌های تحقیق

روی کارآمدن دولت پهلوی با منابع درآمدی سرشار فروش نفت امکان گذار از دولت سنتی به دولت مدرن را با ساخت و کارکرد جدید فراهم ساخت. چنین شرایطی از یک سو، ساختار عمومی دولت را در سطح مناطق گسترش داد و از سوی دیگر، اقتصاد منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داد و در مجموع هرگونه تکاپو برای منطقه گرایی با بخشی نگری و تمرکزگرایی به نام ناسیونالیسم را نفی و انکار کرد (AmirAhmadi, 1989: 524). سیاستگذاری اقتصادی دولت با تأکید بر بخش عرضه اقتصاد در فضای دوگانگی حاکم بر اقتصاد ملی منجر به شکل گیری دو بازار: بازار ملی (با تکنولوژی پیشرفته، انحصاری و متمرکز) و با بازارهای محلی (با تکنولوژی سنتی و کاربر) در فضای ملی گردید (رنانی، ۱۳۸۹: ۹۶). این در حالی بود که سیاست تحت الحمایه پروری دولت پهلوی در ماهیت یک دولت رانتی در مناسبات فضایی با انباشتگی بازار ملی در مناطق خاص (قطب‌های رشد)، منجر به تشدید عدم تعادل منطقه‌ای کشور گردید. تشکیل دولت اسلامی پس از انقلاب ۱۳۵۷ با ترویج گفتمان انقلابی منجر به تسلط دولت بر منابع به ویژه صنایع بازار ملی (۹۱ درصد صنایع بالای ۱۰۰۰ نفر کارکن - مرکز آمار ایران، ۱۳۶۴: ۴۸۱). گردید به طوریکه پس از پیروزی انقلاب، حکومت و بنیادها ... حدود دو سوم بنگاه‌های اقتصادی و نیروهای کار را تحت کنترل خود در آوردند (کدی، ۱۳۸۴: ۴۱). دولت گرایی با سیاست عدالت توزیعی منجر به اصلاح اداری دولت قبل و توجه به مناطق محروم گردید. به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۸ انجمن‌های ایالتی و ولایتی منحل گردید و جای خود را به کمیته برنامه ریزی استان داد (خوشکلام خسروشاهی، ۱۳۷۷: ۲۸)، و سهم اعتبارات استانی از اعتبارات ملی جهت رفع محرومیت استان‌های محروم به ۱۶ درصد (در فاصله ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱) افزایش یافت (اسپندی، ۱۳۷۸: ۲۹). ضرورت بازسازی اقتصادی ایران پس از جنگ تحمیلی، دولت وقت را به اجرای برنامه تعدیل ساختاری ملزم ساخت. اولویت توسعه اقتصادی کشور در بازار آزاد، نظام منطقه‌ای را از یک سو تحت تأثیر شاخص‌های کلان اقتصادی (کاهش سهم کشاورزی و صنعت در تولید ناخالص داخلی ملی و استانی) و از سوی دیگر تحت تأثیر خصوصی سازی در بازار ملی مستقر در مناطق قرار داد. مشخص‌ترین اقدام دولت در رابطه با توسعه منطقه‌ای کشور

افزایش اعتبارات عمرانی استان‌ها بود. به طوریکه در این دوره افزایش ۴۵ درصدی را تجربه نمود (همان: ۵۷). به دنبال بحران آفرینی و شکست برنامه تعدیل ساختاری در سال ۱۳۷۴ (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱۶۳)، علی‌رغم استمرار برنامه خصوصی سازی در دولت‌های بعدی، روند مزبور تغییری در ماهیت و ساختار هسته سرمایه داری دولتی ایجاد نکرد و تنها به لحاظ ترکیب سرمایه داری، گرایش از انحصاری غالباً دولتی به حالت دولتی - شبه دولتی تغییر یافت و به تعداد همان شرکت‌های واگذار شده، شرکت‌های دولتی جدید بیشتری تأسیس شد (ستاری، ۱۳۸۹: ۲۳۶). بی‌جهت نیست که سهم بودجه شرکت‌های دولتی پس از سال ۱۳۷۰ کمتر از ۵۵ درصد کل بودجه کشور نبوده است (رهنمایی و وثوقی لنگ، ۱۳۹۲: ۳۸).



نمودار شماره ۱: سازوکارهای ساختی و کارکردی دولت در نظام بخشی به توسعه منطقه‌ای ایران

منبع: یافته‌های پژوهش

دوره دولت اصلاحات را باید نقطه اوج تنش‌های سیاسی و اجتماعی میان هواداران اقتصاد بازار و دولت‌گرایی به حساب آورد (شاکراردکانی، ۱۳۹۳: ۹۳). اقدامات منطقه‌ای این دوره تا حدود زیادی با اهداف توسعه منطقه‌ای همخوان بود. مشهودترین اقدامات دولت شامل تصویب و اجرایی شدن شورای برنامه ریزی استان‌ها در راستای تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به استانها، اجرای قانون شوراها، تهیه طرح‌های آمایش سرزمین و تهیه سند توسعه استان‌ها بود. دوره دولت چهارم (دولت نهم و دهم) دوره تجدید گفتمان انقلابی و تشدید دولت‌گرایی و تقابل با اقتصاد سیاسی بین‌المللی است. در این دوره با انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی (نهاد نظارتی مرکزی)، شورای برنامه ریزی استان‌ها، ذیل استانداری‌ها (وزارت کشور به عنوان نهاد مرکزی) قرار گرفت و با کاهش نسبت اعتبارات استانی به کل اعتبارات کشور از ۸/۴ درصد به ۴/۷ درصد از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ بر روند تمرکز گرایی کشور افزوده شد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴: ۷۴).

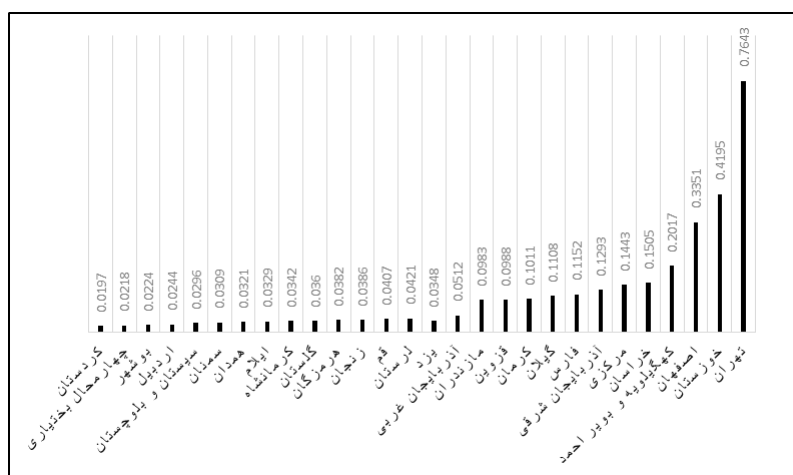
جدول شماره ۲: دوره‌های دولت، ویژگی‌ها و اقدامات توسعه منطقه‌ای در جمهوری اسلامی ایران

| ردیف | دوره‌های دولت | دوره زمانی | ویژگی‌ها | نیروها غالب | اقدامات فضایی و منطقه‌ای |
|------|-----------------------------------|------------|---|--|---|
| ۱ | دولت انتقادی - انقلابی | ۱۳۵۷-۱۳۶۷ | اندیشه انقلابی - دولت گرایی - جنگ - توزیعی - تقابل با اقتصاد سیاسی بین المللی | چپ گفتمان (نیروی هوادار دولت گرایی) | شورای برنامه ریزی استان - تلفیق طرح‌های ناحیه و منطقه‌ای تحت عنوان طرح‌های استانی - افزایش اعتبارات استان‌های عقب مانده - تصویب و تهیه طرح آمایش کشور |
| ۲ | دولت سازندگی (مصلحت گرا و متعارف) | ۱۳۶۸-۱۳۷۵ | مصلحت گرایی - برنامه تعدیل ساختاری - اقتصاد آزاد - خصوصی سازی - انطباق با اقتصاد سیاسی بین المللی | نو محافظه کاران - بازاری - نیروهای بورکراتیک (نیروی هوادار اقتصاد بازار) | افزایش اعتبارات عمرانی استان‌ها نسبت به اعتبارات ملی - تصویب طرح آمایش سرزمین - ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی در مناطق مستعد |
| ۳ | دولت اصلاحات | ۱۳۷۶-۱۳۸۴ | تاکید بر جامعه مدنی - قانون گرایی - ادامه برنامه خصوصی سازی | اصلاح طلبان - رادیکال - نیروهای بورکراتیک (نیروی هوادار اقتصاد بازار) | تصویب و اجرایی شورای برنامه ریزی استان - اجرای قانون شوراها - تمرکززدایی - تهیه طرح‌های آمایش سرزمین - تهیه سند توسعه استان‌ها |
| ۴ | دولت انتقادی - توده گرایی | ۱۳۹۲-۱۳۹۴ | تشدید توده گرایی - سیاست‌های توزیعی خصوصی سازی (سهام عدالت) - اقتصاد دولتی - تقابل با اقتصاد سیاسی بین المللی | نیروهای چپ گفتمان (نیروی هوادار دولت گرایی - مخالف دوره سازندگی و اصلاحات) | ماده ۱۸۰ بودجه - سند ملی آمایش سرزمین - تهیه برنامه‌های ویژه فرابخشی - ساماندهی نظام درآمد-هزینه استان |

منبع: یافته‌های پژوهش

نظام منطقه‌ای دهه ۷۰ هـ ش

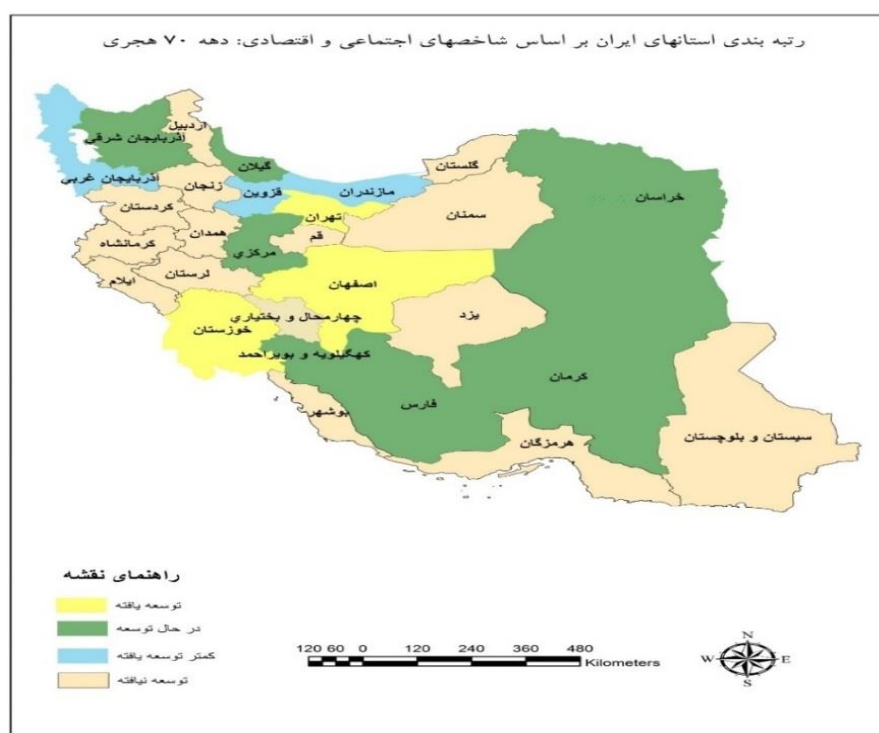
نظام توسعه منطقه‌ای ایران در دهه ۷۰ هـ ش از یک سو تحت تأثیر عدم تعادل شدید منطقه‌ای ایران قبل از انقلاب و از سوی دیگر مقارن با دوره دولت سازندگی و مصادف با اجرای برنامه اول و دوم توسعه بعد از جنگ تحمیلی قرار گرفت.



نمودار شماره ۱: رتبه بندی و سطح توسعه یافتگی استان‌های ایران در دهه ۷۰ هـ ش. منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج رتبه بندی استان‌ها با مدل تاپسیس و طبقه بندی استان‌ها به ۴ طبقه نشان می‌دهد. وزن مجموعه توسعه یافتگی ۲۸ استان در این دهه معادل ۳/۲۱ درصد بوده است. در طبقه اول (بالای وزن توسعه ۰/۳) به ترتیب استان‌های تهران

(با وزن توسعه ۰/۷۶۴۳)، خوزستان (با وزن ۰/۴۱۹۵) و اصفهان (با وزن ۰/۳۳۵۱) قرار دارند که به عنوان توسعه یافته ترین مناطق کشور محسوب می‌گردند. طبقه دوم (با وزن ۰/۱ تا ۰/۳)؛ شامل ۷ استان به ترتیب استان گهکلیویه و بویراحمد، خراسان رضوی، مرکزی، آذربایجان شرقی، فارس، گیلان و کرمان با وزن توسعه یافتگی میان ۰/۱ تا ۰/۲ قرار دارند. این طبقه ستون نظام منطقه‌ای کشور محسوب می‌گردد که هم دارای پتانسیل رشد سرزمینی و هم عموماً دارای پیشینه صنعتی قبل از انقلاب می‌باشند. طبقه سوم (با وزن ۰/۰۳ تا ۰/۱)؛ در این طبقه ۱۳ استان به ترتیب قزوین، مازندران، آذربایجان غربی، یزد، لرستان، قم، زنجان، هرمزگان، گلستان، کرمانشاه، ایلام، همدان و سمنان قرار داشته‌اند. طبقه چهارم (با وزن ۰/۰۱ تا ۰/۰۳)؛ شامل استان‌های سیستان و بلوچستان، اردبیل، چهارمحال - بختیاری و کردستان با دامنه وزنی ۰/۰۱۹۷ تا ۰/۰۲۹۶ به عنوان توسعه نیافته ترین مناطق و استان‌های کشور محسوب می‌گردند. در این دهه وزن توسعه استان تهران به تنهایی برابر ۲۴ درصد وزن توسعه کشور می‌باشد که با احتساب استان‌های خوزستان و اصفهان معادل ۴۷ درصد از کل توسعه کشور می‌باشد. این در حالی است که وزن توسعه استان تهران (۰/۷۶۴۳) از مجموعه وزن استان‌های طبقه سوم و چهارم به تعداد ۱۸ استان (با وزن ۰/۷۳۵۷) بیشتر است و توسعه یافتگی استان تهران بالغ بر ۳۸/۸ برابر آخرین استان (کردستان) در رتبه بندی استان‌های کشور در دهه ۷۰ هـ ش می‌باشد.

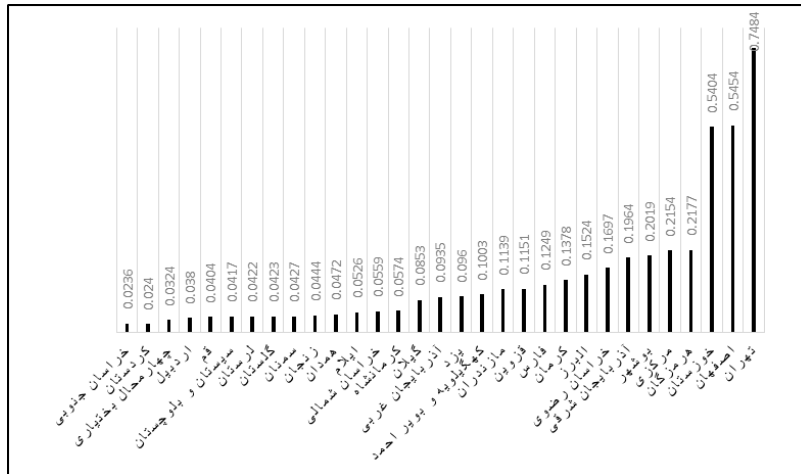


شکل شماره ۲: نقشه رتبه بندی و سطح توسعه یافتگی استان‌های ایران در دهه ۷۰ (۲۸ استان). منبع: یافته‌های پژوهش

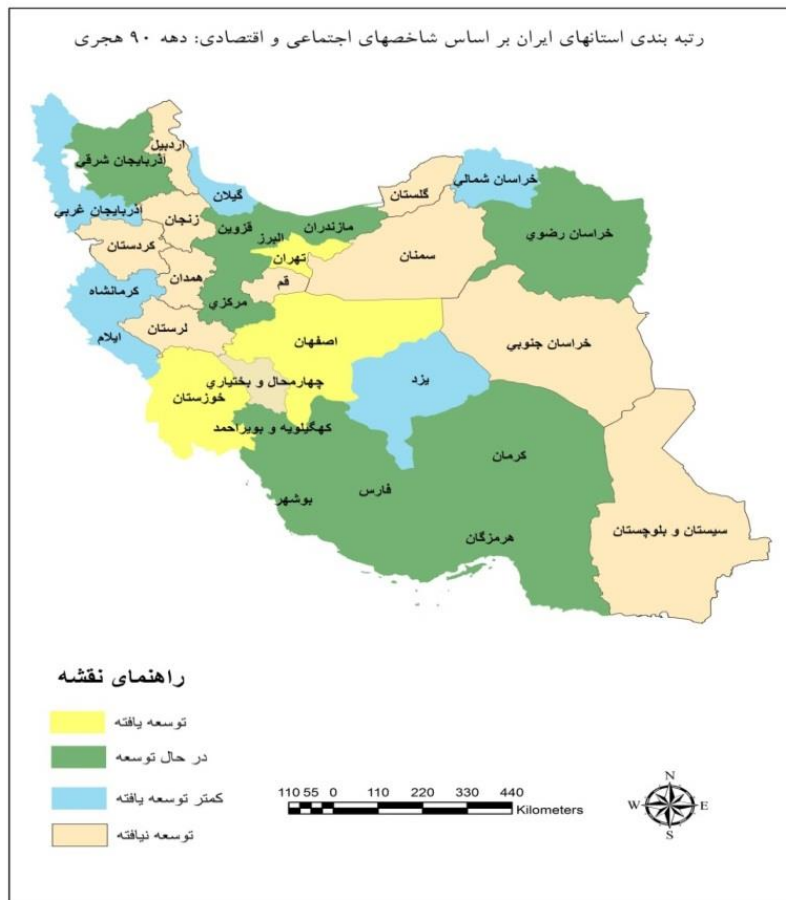
نظام منطقه‌ای ایران دهه ۹۰ هـ ش

دهه حاضر نشانگر تلاش بیش از ۲ دهه و اجرای ۴ برنامه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهت دستیابی به توسعه و رفع عدم تعادل و توازن منطقه‌ای کشور است. تعداد استان‌های کشور به ۳۱ استان افزایش یافت. در این دهه وزن توسعه استان‌ها از ۳/۲۱ درصد به ۴/۴۳ درصد افزایش یافت. در طبقه استان‌های توسعه یافته (وزن بالای ۰/۳)

همچنان سه استان تهران (با وزن ۰/۷۴۸۴)، اصفهان (با وزن ۰/۵۴۵۴) و خوزستان (با وزن ۰/۵۴۰۴) فاصله خود را از استانهای دیگر در این دهه حفظ کردند و در این طبقه افزایش ملموس توسعه برای استان اصفهان با گرایش به مرکز فلات بوده است. در طبقه دوم (وزن ۰/۱ تا ۰/۳)؛ تعداد استانهای در حال توسعه از ۷ استان به ۱۱ استان افزایش یافت.



نمودار شماره ۲: رتبه بندی و سطح توسعه یافتگی استانهای ایران در دهه ۹۰ ه.ش. منبع: یافته‌های پژوهش



شکل شماره ۳: نقشه رتبه بندی و سطح توسعه یافتگی استانهای کشور دهه ۹۰ ه.ش.

منبع: یافته‌های پژوهش

و مجموعه وزنی توسعه این استان‌ها در این طبقه از وزن ۰/۹۵۲۹ در دهه ۷۰ به وزن معادل ۱/۷۴ در دهه ۹۰ افزایش یافت. طبقه سوم (استان‌های کمتر توسعه یافته با وزن ۰/۰۳ تا ۰/۱) شامل ۱۵ استان وزن توسعه معادل ۰/۸۱۲ را به خود اختصاص دادند. طبقه چهارم (استان‌های توسعه نیافته با وزن ۰/۰۱ تا ۰/۰۳)، شامل ۲ استان (کردستان و خراسان جنوبی) تنها وزنی معادل ۰/۰۴۷۶ از کل وزن توسعه ۴/۴۳ را کسب نمودند. در این دهه علاوه بر افزایش وزنی توسعه نسبت به دهه‌های گذشته، به تعداد و وزن توسعه یافتگی استان‌های در حال توسعه در طبقه دوم افزوده شد. اما کماکان فاصله استان‌های توسعه یافته با استانهای توسعه نیافته بسیار زیاد و مشابه دهه‌های گذشته است.

تجزیه و تحلیل

دولت‌گرایی گفتمان انقلابی دهه ۶۰ هـ.ش میراث دار ماهیت دولت رانتی و الگوی عدم تعادل منطقه‌ای کشور بود. تسلط بر اقتصاد (رانت نفت و بازار ملی) در این دهه بر سیاست‌های توزیعی به توده‌ها و استان‌های محروم تاکید گردید. ضرورت بازسازی اقتصادی کشور با تسلط گفتمان طرفداران اقتصاد بازار منجر به اجرای برنامه تعدیل ساختاری توسط دولت سازندگی در کشور شد. این برنامه از یک سو اقتصاد ملی و منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داد و از سوی دیگر به واسطه خط مشی نئوکلاسیکی این برنامه‌ها اقدامات توسعه منطقه‌ای کمتری انجام پذیرفت. در این دهه (۷۰ هـ.ش) تنها ۴۷ درصد وزنی توسعه در سه استان تهران، خوزستان و اصفهان متمرکز بود و وزن توسعه استان تهران به تنهایی از ۱۸ استان بیشتر بود که در مجموع اقدامات دولت و ساختار منطقه‌ای کشور در این دهه با تمرکز شدید نشان از عدم تعادل منطقه‌ای کشور داشت. پس از بحران آفرینی‌ها با روی کار آمدن دولت اصلاحات، توسعه منطقه‌ای در راستای اصلاح ساختاری مورد توجه دولت قرار گرفت و اقداماتی نظیر تصویب و اجرایی شدن شورای برنامه ریزی استان‌ها در راستای تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به استانها، اجرای قانون شوراها و ... انجام پذیرفت. بازگشت گفتمان انقلابی در دولت محمود احمدی نژاد با تاکید بر دولت‌گرایی و تقابل با اقتصاد سیاسی بین‌المللی نظام منطقه‌ای تأثیر گذار بود. از یک سو سیاستگذاری اقتصادی دولت اقتصاد منطقه‌ای (افزایش تورم و رکود و ...) را تحت تأثیر قرار داد و از سوی دیگر منجر به تمرکز گرایی در کشور شد به گونه‌ای که نسبت اعتبارات استانی به کل اعتبارات کشور پس از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ از ۸/۴ درصد به ۴/۷ درصد کاهش یافت. نظام منطقه‌ای کشور در دهه ۹۰ هـ.ش علی‌رغم افزایش نسبی وزن توسعه نامتعادل است و فاصله استان‌های توسعه یافته با استان‌های میانی حفظ و نسبت به استان‌های عقب مانده با جغرافیای وسیع بسیار زیاد می‌باشد. نسبت تغییرات توسعه نظام منطقه‌ای کشور در دو دهه با سازوکارهای نقش دولت در نظام منطقه‌ای شامل: ساختار عمومی دولت، نظام بودجه، سیاستگذاری اقتصادی و مالکیت دولتی و توزیع فضایی شرکتهای دولتی قابل تبیین است. شاخص ساختار عمومی دولت با افزایش بودجه جاری و عمرانی منجر به ارتقاء جایگاه و وزن استانهای کمتر توسعه یافته، شده است و نسبت تغییرات این استان‌ها در طبقات کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته (علی‌رغم نسبت کم) مثبت بوده است. شاخص مالکیت دولتی با سرمایه گذاری مستقیم دولت در اجرای برنامه‌های منطقه‌ای مانند اجرای پروژه‌های نفت و گاز منجر به نزول جایگاه استان کهگیلویه و بویراحمد و ارتقاء جایگاه استانهای هرمزگان و بوشهر در طی دو دهه گذشته شده است و شاهد بالاترین تغییرات از دهه ۷۰ هـ.ش تاکنون برای این استان‌ها

می‌باشیم. اجرای برنامه تعدیل ساختاری در سیاستگذاری اقتصادی منجر به ارتقاء استان‌های اصفهان و نزل جایگاه استان گیلان در طی دو دهه گردیده است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

براساس نتایج تحقیق تأثیر ساخت و کارکرد دولت‌های طرفدار دولت‌گرایی (دولت دهه ۶۰ و دولت نهم و یازدهم) و دولت‌های طرفدار اقتصاد بازار (دولت‌های سازندگی، اصلاحات و دولت کنونی) در چهار سازوکار شامل: ۱- ساختار عمومی دولت ۲- نظام بودجه ۳- سیاستگذاری اقتصادی ۴- فعالیت اقتصادی دولت - شرکت‌های دولتی؛ نظام منطقه‌ای کشور را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در دولت‌های طرفدار اقتصاد دولتی تحکیم ساختار عمومی و سیاستگذاری‌های عدالت توزیعی در قالب بودجه و گسترش سطح فعالیت اقتصادی دولت اولویت اساسی داشته است. دولت‌های طرفدار اقتصاد بازار سیاستگذاری‌های اقتصادی با کاهش سطح فعالیت اقتصادی دولت مبتنی بر سازوکار بازار (با تنوع سیاست و اقدامات) اهمیت دارد. لیکن میراث دولت رانتی و ترجمان اجتماعی و فضایی با تعریف دولت در مقیاس بزرگ یعنی حکومت، نقش دولت را در نظام بخشی منطقه‌ای بیشتر هویدا می‌سازد. اجرای برنامه تعدیل ساختاری پس از انقلاب توسط دولت سازندگی در کنار مالکیت و فعالیت بنیاد و نهادها در اقتصاد با ایجاد انحصار و روابط ساختی جدید (الگوی مرکز - پیرامون نظام سرمایه داری دولتی) از یک سو منجر به تحکیم دولت‌گرایی و پیچیده‌تر شدن روابط فضایی اقتصاد در کشور شد و از سوی دیگر اقدامات توسعه منطقه‌ای (از وظایف رسمی دولت) جهت رفع و کاهش عدم تعادل، به دلیل خط مشی نئوکلاسیکی این برنامه‌ها، شاهد کمترین سطح نسبت به دوره‌های قبل و بعد خود بود. نتایج رتبه بندی استان‌های کشور در این دهه موید عدم تعادل شدید منطقه‌ای بیش از ۳۸ برابری میان توسعه یافته‌ترین استان (تهران) با عقب مانده‌ترین استان (کردستان) وجود داشته است. اقدامات منطقه‌ای دولت اصلاحات با اصول توسعه منطقه‌ای بیشترین همخوانی را در میان دولت‌های بعد از انقلاب دارا می‌باشد که روی کار آمدن دولت نهم و دهم با دولت‌گرایی و سیاست‌های عدالت توزیعی تمرکزگرایی در کشور گسترش یافت. از این رو نتایج رتبه بندی دهه کنونی نشان می‌دهد که عدم تعادل منطقه‌ای کشور همچنان پایدار است و تغییرات در رتبه بندی استان‌ها موید نقش دولت در اقتصاد فضا می‌باشد. این در حالی است که الگوی سیاسی دولت پهلوی در قالب دولت حداکثر با نقش دولت در توسعه منطقه‌ای قابل تبیین است و اقدامات دولت سازندگی در اجرای برنامه تعدیل نوعاً نشانگر حرکت دولت حداکثر به دولت حداقل در ایران بوده که علی‌رغم شکست برنامه تعدیل در کشور و سطح جهانی منجر به ترویج نظریه حکمروایی خوب و نقش‌پذیری دولت در کنار بازار در توسعه منطقه‌ای (نهاد سازی و رقابت‌پذیری منطقه‌ای) گردیده است. به نظر می‌رسد وجود پارادوکس‌ها در رفت و برگشت دولت‌های طرفدار اقتصاد بازار و دولت‌گرا به ویژه تبیین توسعه حاکمی از جایگاه دولت به ویژه دولت‌های پس از انقلاب در ماهیت اقتصاد سیاسی این کشور دارد که باتوجه به فرایندهای ساختاری و نقش دولت در توسعه و شکل‌گیری عدم تعادل منطقه‌ای کشور، دو راهبرد اصلی و سیزده راهبرد فرعی جهت به تعادل کشاندن عدم تعادل منطقه‌ای ایران پیشنهاد می‌گردد. راهبردهای اصلی:

۱: تحول و اصلاح در ساخت و کارکرد دولت مبتنی بر الگوی حکمروایی خوب با توسعه در ساختار عمودی و افقی نظام فضایی سرزمینی کشور

۲: توسعه مشارکت سیاسی در نهادسازی مدنی و رقابت پذیری اقتصاد ملی و منطقه‌ای کشور
راهبردهای فرعی:

- ۱: تنوع بخشی به اقتصاد ملی و منطقه‌ای مبتنی بر بازارهای منطقه‌ای و جهانی
- ۲: اصلاح نظام بودجه ریزی دولتی و ایجاد ردیف بودجه‌ای تحت عنوان تحرک بخشی به اقتصاد مناطق کمتر توسعه یافته جهت دستیابی به میانگین شاخص‌های کشوری
- ۳: ارتقاء جایگاه شورای عالی آمایش و مرکز آمایش سرزمین به عنوان یک مرکز مستقل در سیاستگذاری منطقه‌ای برای ساماندهی و وحدت رویه برای کلیه دستگاه‌ها و شرکتهای دولتی
- ۴: اتخاذ سیاست نهادسازی منطقه‌ای با مشارکت سیاسی و تقویت منابع و ظرفیت نهادهای محلی در طراحی، تطبیق و ارائه خدمات با تاکید بر مناطق کمتر توسعه یافته
- ۵: پیش بینی و بررسی ابعاد فضایی و منطقه‌ای سیاستگذاری های اقتصادی دولت در سطح مناطق
- ۶: ایجاد خوشه‌های صنعتی در مناطق کمتر توسعه یافته با نقش حمایتی و هدایتی دولت
- ۷: اتخاذ سیاست رقابت پذیری منطقه‌ای جهت توسعه پایدار اقتصاد منطقه‌ای کشور
- ۸: اصلاح نظام مدیریت فضایی کشور با منطقه بندی مبتنی بر جغرافیای سرزمینی و تعدیل ساختار عمومی دولت و توجه ویژه به آمایش سرزمین (تعادل بخشی به توزیع و ترکیب جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمینی)
- ۹: تعیین نقش و جایگاه هر استان در اقتصاد ملی با تاکید بر مناطق مرزی و غیر برخوردار
- ۱۰: اعمال سیاستهای تشویقی با حمایت دولت برای جذب و هدایت سرمایه گذاران بخش خصوصی و خارجی جهت سرمایه گذاری در مناطق و نواحی عقب مانده کشور
- ۱۱: توسعه منطقه‌ای مبتنی بر توانمندی‌های سرزمینی به ویژه در سواحل خلیج فارس و دریای عمان با نقش پذیری و ایجاد متروپل های منطقه‌ای و رقیب با متروپلهای منطقه‌ای کشورهای عربی (کریدورهای حمل و نقل و مالی)
- ۱۲: توسعه زیرساخت‌ها و شبکه‌های ارتباطی ترانزیتی (کریدورهای شمال - جنوب و شرق - غرب کشور) در مناطق کمتر توسعه یافته
- ۱۳: توجه جدی به محیط زیست مناطق در سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های اقتصادی دولت

منابع

- ادل، ماتیو (۱۳۸۰). اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای. ترجمه فریبرز رئیس دانا، چاپ نخست. تهران: انتشارات قطره.
- اسپندی، فتح اله (۱۳۷۸). روند عدم تمرکز در برنامه توسعه کشور (بعد از انقلاب). اراک: انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان مرکزی.
- خوشکلام خسروشاهی، پرویز (۱۳۷۷). آثار تمرکززدایی از ساختار مدیریت بخش عمومی در ایران بر سطح رفاه جامعه با تاکید بر ابعاد اقتصادی. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان تهران.
- دادگر، بداله (۱۳۸۳). تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی (آزمونی مجدد). قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- دفتر بودجه منطقه‌ای (۱۳۸۸). گزیده آمار و شاخص‌های مقایسه‌ای استان‌ها، تهران: معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری.
- دفتر هماهنگی امور استانها (۱۳۸۰). گزیده آمار شاخصهای مقایسه‌ای استان‌های کشور، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

- رنانی، محسن (۱۳۸۹). بازار یا نابازار، بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران. چاپ سوم. تهران: انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- رهنمایی، محمد تقی (۱۳۷۳). دولت و شهرنشینی نقدی بر نظریه عناصر قدیمی شهر و سرمایه داری بهره وری هانس بوبک، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره. صص ۱۷-۲۶.
- رهنمایی، محمدتقی. شهرز، وثوقی لنگ (۱۳۹۲). تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای ایران از منظر اقتصاد سیاسی، فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، سال یازدهم، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۹۲. صص ۳۳-۵۲.
- ریچاردسون، اچ، دلبیو. تارونارو، پی، ام. (۱۳۷۳). سیاستگذاری منطقه‌ای. دفتر برنامه ریزی معاونت امور مناطق و مجلس. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- زاهدی، حسین (۱۳۷۴). استبداد، توسعه نیافتگی و مسئله شیوه تولید آسیایی. نگاه نو. شماره ۲۶. تهران.
- ستاری، سجاد (۱۳۸۹). اقتصاد سیاسی خصوص سازی در ایران معاصر، پژوهشی در ماهیت و علل سیاسی توسعه نیافتگی خصوصی سازی در دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی و تأثیر آن بر روند توسعه در ایران، رساله دکتری در رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- سالنامه آماری، ۱۳۷۷، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶: مرکز آمار ایران.
- شاکراردکانی، امید (۱۳۹۳). اقتصاد سیاسی تعدیل ساختاری در ایران: پارادوکس‌ها و عدم تعادل، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. صرافی، مظفر (۱۳۷۷). مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۲). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان پهلوی. ترجمه نفیسی و عزیزی. چاپ نهم. تهران: نشر نی.
- کلانتری، خلیل (۱۳۷۷). شناسایی مناطق عقب مانده در ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۲۸. تهران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین (۲) بررسی نظام برنامه ریزی استانی در ایران با تأکید بر ساختار شورای برنامه ریزی و توسعه، دفتر مطالعات اقتصادی. شماره مسلسل ۱۴۴۷۷.
- مصلی نژاد، غلام عباس (۱۳۸۴). دولت و توسعه اقتصادی در ایران. تهران: نشر قومس.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۶). اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- می‌دری، احمد (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال ششم. شماره ۲۲. صص ۸۲-۸۵.
- میرشجاعیان حسینی، حسین (۱۳۹۰). ارزیابی نقش بخش عمومی در توسعه اقتصادی منطقه‌ای ایران. رساله دکتری در رشته علوم اقتصادی. دانشکده اقتصاد. دانشگاه تهران.
- نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفرکارکن و بیشتر در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۹۲؛ مرکز آمار ایران.
- نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۵۰ نفرکارکن و بیشتر در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۹۲؛ مرکز آمار ایران.
- Amirahmadi, H. (1986). *Reginal Planning in Iran, A survey of problams and policies*, the journal of developing Areas. Vol 20. No 4. pp 501-530
- Fox, JA, Brown, LD. (1998). *Introduction in The struggle for accountability: The Word Bank, NGOs, and grassroots movement*, MIT Press, Cambridge, USA.
- Smith, B, C. (2007). *Good government and development*, First Published, Palgrave MacMillan. New York.
- Pike, A., Rodriguez-Pose, A., Tomaney, J, (2006). *Local and Regional Development*, First Published Routledge, Newyork.
- www.MPo-Zn.ir/m2/Regional accounts/Results of Countey Regional accounts and province.